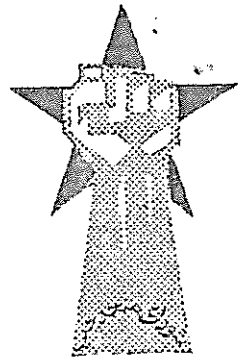


تکثیر در خارج از کشور: طرفداران شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال

Postlager-Nr. 076287 A: آدرس پستی:
5600 WUPPERTAL 1
WEST-GERMANY
R.V.L. حساب بانکی:
STADTSPARKASSE WUPPERTAL
KONTO-Nr. 598573
BLZ: 330 500 00

فوق العاده
دوره اختناق

شماره ۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۱



نشریه شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال

پیام شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال به پنجمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران

شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال، پیام انقلابی و مبارزه جویانه خود را به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران به رفقای کادر رهبری حزب، رفقای رزمنده پیشمرگه و همه نمایندگان انقلابی شرکت کننده در پنجمین کنگره حزب، تقدیم میدارد.

رفقای مبارز، کنگره حزب شما در شرایطی برگزار می شود که سه سال از مبارزه و مقاومت انقلابی و آزادخواهانه شما در برابر رژیم ارتجاعی و جنایتکار خمینی می گذرد. حزب شما با انتخاب شعار "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" نشان داد که درک درست و علمی از خواسته های سیاسی و مبارزاتی خلق های ایران، در شرایط کنونی دارد. و به همین دلیل تاکنون موفق شده اید که بخش عظیمی از خلق ستمدیده کرد را به شرکت در این مبارزه عادلانه تشویق کنید و آنان را متشکل ساخته، در جهت درستی رهبری کنید.

رهبری صحیح سیاسی و انتخاب متناسب تاکتیکها، حزب دموکرات کردستان ایران را در برابر توطئه های جریانهای راست و فرصت طلب و خیانتکاری که قصد نابودی حزب و تسلیم در برابر دشمن را داشتند، پیروز گردانید.

تلاش واقع بینانه حزب دموکرات ایران برای اتحاد همه نیروهای مترقی، انقلابی و آزادخواه، و شرکت فعال حزب در ایجاد شورای ملی مقاومت، مورد توجه و تحسین همه آزادخواهان و انقلابیون واقعی میهن ما می باشد.

به این وسیله، بار دیگر همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان کرد، و رزمندگان آزادخواه و انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران اعلام میداریم و به مبارزات مشترک خود برای استقرار دموکراسی در ایران، خودمختاری در کردستان و تضمین منافع زحمتکشان ادامه میدهیم.

شورای متحد چپ برای
دموکراسی و استقلال
آذرماه ۱۳۶۰

کتابخانه ایرانی
iranische Bibliothek in Hannover

اردیبهشت

تهاجم و قله

هجوم در فارس

هفته اول این ماه مقارن بود با افت "پیروزیهای سپاه اسلام" و فترت در فتح و پیشروی در جبهه های جنگ علیه عراق، لکن رژیم که دیری است آتش جنگ داخلی علیه مخالفان و تسلیح نمودگان را برافروخته، در این فرصت به چند هجوم نظامی و سیاسی در جبهه داخلی روی آورد. تشدید حملات تجاوزکارانه علیه خلق کرد از این جمله بود. هجوم دیگر نیروهای رژیم در منطقه فارس صورت گرفت. پس از "هشدار شدید امام جمعه بقیه در صفحه ۲

دست آورد عظیم انقلاب فرهنگی جمهوری

اسلامی

سندی از فعالیتهای درخشان دیپلماسی جمهوری آخوند هاد در جهت گسترش انقلاب اسلامی ایران:

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

اداره امنیه و اموال شماره ۸۹۶/۳۵ - تاریخ ۶۱/۲/۸

بسمه تعالی

بخشنامه به کلیه نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور

پیرو بخشنامه شماره ۳۵/۱۱/۳۸ مورخ ۶۰/۱۲/۱۳ چنانچه در ساختمانهای استیجاری امکان تفویض توالی های فرنگی به نوع تخت ممکن نیست و یا مشکلاتی در ساختمانهای ملکی از جهت بنائی و غیره وجود دارد میتوانند از جعبه ای به شکل ضمیمه که روی توالی فرنگی قرار می گیرد استفاده نمایند.

معاون اداری و مالی
محمد عرب

همه معالک اسلامی متحد شوند تا اینکه دست ابر قدرت را بر معالک خودشان قطع کنند.

امام خمینی

شیراز به خوانین قشقایی " (کیهان، ص ۱، شماره ۴/۲/۶۱) و انقضای مدت اولتیماتوم سه ساعته! دادستانی کل انقلاب در روز شنبه، مبنی بر دعوت به تسلیم بی قید و شرط نیروهای عشایر قشقایی، سپاه پاسداران و ارتش دست به حمله هوایی و زمینی شدید و غافلگیرانه ای به عشایر در حال کوچ و چادرهای آنها زدند. دو روز بعد صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی کسسه "تصادف" در شیراز به سرمی برد اعلام کرد که "دیگر منطقه ای به نام اردوی خان در فارس وجود ندارد". بر طبق اخبار غیررسمی دولتی که از شیراز رسید، درگیری شدید بود، و طرفین متحمل تلفات سنگینی شده اند، لکن برتری قوا و ابتکار عمل در دست مهاجمین پاسدار و لساندا نیروهای عشایری مجبور بوده اند با جای گذاشتن کلیه وسائط نقلیه، تجهیزات و حتی خواربار اردو عقب نشینی کنند. این هجوم و نتایج آن درس عبرت گرانی است برای نیروهای عشایری که تصور می کردند با سیاست پرهیز از درگیری می توانند خود را حفظ نمایند. بعد از شاخ مسات کردن آیت الله شریعتمداری، این هجوم سریع در واقع یک پیروزی نظامی برای نیروهای فالانژ به حساب می آید. نیروهای قشقایی از جمله آن بخش از مخالفان حکومت به شمار می روند که مدتهاست به امید "روزگار مساعد" در کمین و انتظار به سرمی برند و متوجه دینامیزم درونی رژیم فالانژیستی حاکم نمی باشند. این رژیم از قبل خط مشی تشنج، درگیری، هجوم و فتح مداوم مواضع و جایگاههای مخالفین و رقباست که انسجام نسبی خود را حفظ کرده است. شیشه عمر این دستگاه غیر تاریخی درست در تداوم درگیری و اصطکاک، جنگ و خونریزی دست نخورده می ماند و گرنه این رژیم به سبب عدم قابلیت در ساختمان اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی متعادل و محکم و رشد یابنده، قادر به استقرار و ثبات تاریخی نمی باشد. حاکمیت و بقای این رژیم فالانژیستی مبتنی بر ساختمان دستگاههای سرکوب فاشیستی و گسترش بی سابقه شبکه های ایدئولوژیک می باشد. از اینرو روشی که اضطراب را در پیش دارد هجوم نظامی و ایدئولوژیک و اختناق به نیروهای اپوزیسیون، مخالفان و دیگر اندیشان و جو عمومی جامعه است. هر بخشی از مخالفین این حکومت که به سیاست صبر و انتظار و یا "چراغ سبز" روی آورد، در واقع برای رژیم فرصتی مختم بود که در شرایط و اوضاعی که خود انتخاب می کند به حمله بپردازد. افزون بر این، نیروهای که سیاست انتظار و پرهیز از درگیری را انتخاب کردند، در پی تدارک و سازماندهی و آماده کردن شرایط رزمی نرفتند و این وضع خود مشکل را دوچندان کرد. در واقع "تئوری بقا" عملاً به معنی روش انفعال درآمد و این مصیبت بخشهای گوناگونی از مخالفان رژیم - از جمله نیروهای "خلق مسلمان" و عشایری - را گرفتار کرد. تصحک تئوریک این نیروها به هر حجتی که باشد - خواه انتظار

قیام توده ها را بکشند و خواه منتظر چراغ سبز بین العللی باشند منطق درونی حاکمیت فالانژیسم باعث گردید که رژیم از قسواوی موجود ولی منفعل مخالفین سبقت گیرد و در موقع مساعد ضربه کاری وارد آورد. این تجربه تنها به مورد اخیر حمله به قشقایی ها بر نمی گردد، به دفعات تکرار شده و بعد از این هم تکرار خواهد شد. فرصت دادن به رژیم فالانژیستی به معنی از دست دادن امکانات موجود و مورد حمله واقع شدن در شرایط نامساعد ترمی باشد. برعکس مقاومت از همان آغاز اختناق فاشیستی و سازماندهی و تدارک رزمی علیه فالانژیسم روشی است که از جانب بخشهای دیگری از اپوزیسیون با موفقیت تجربه شده و نتایج آن نیز هم اکنون - علیرغم شرایط بسیار دشوار حاکم - به مراتب درخشانتر از تجربه انفعال فوق الذکر می باشد. جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد باعث رشد و قوام سازمانهای انقلابی آن و به خصوص حزب دمکرات کردستان ایران گردید و تجربه دیگر از ۳۰ خرداد به بعد سال پیش جریان دارد. به دنبال آغاز هجوم فاشیستی حاکمیت به نیروهای اپوزیسیون در تمام شهرها، دو گرایش عمده در میان اپوزیسیون خود نمائی کرد. یکی گرایش به مقاومت مسلحانه و سازماندهی درگیری (مساله مشی درگیری و انواع آن در اینجا مورد بحث ما نیست) که حامل اصلی و اساسی آن سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد و گرایش دیگر که نیروهای چون راه کارگر، بیکار و اقلیت را در بر می گرفت، یکسره پیرو سایه روشنهای گوناگون از "تئوری بقا" شدند و اکنون سرنوشت هر دو گرایش پیش روی ماست. اولی علیرغم وحشیانه ترین سرکوبها قادر است مبارزه را در سطح گسترده و به صورت فعال و ضربتی ادامه دهد و دومی در پیج و خمهای دشوار و گاه بن بر "پرهیز از درگیری و حفظ نیرو" به تشتت، انشعاب و انفعال محض دچار آمده و ضربات سنگینی نیز خورده است. اصولاً در شرایط رشد نظامی - پلیسی یک رژیم فالانژیستی اتخاذ سیاست انتظار منجر به از هم گسیختگی و انشعاب و تفرقه و بالاخره از هم پاشیدگی و بخشا تعلیم و انهدام می گردد. حفظ نیروها برای سازمانها و جریانهای نسبتاً بزرگ در شرایطی ممکن است که سیاست فعال مقاومت مسلحانه نیز اتخاذ گردد و تدارک سیاسی، نظامی و تشکیلاتی الزامات و ضروریات این سیاست نیز به عمل آید. نیروهای قشقایی از فرصتهای طولانی برای اقدام علیه رژیم و باز کردن یک جبهه جدید مبارزه مسلحانه در فارس هیچگونه بهره ای نبردند و عملاً در وضعیتی که به نفع رژیم بود (بسیج وسیع نیروهای جوان در سپاه و بسیج...) مورد تهاجم سنگینی قرار گرفتند. اگر این حمله اخیر به مردم و نیروهای مسلح عشایری نقطه عطفی در روند سیاسی و مشی مبارزاتی آنها گردد، بازهم امید به تغییر تناسب قوا در منطقه فارس بیپوده نخواهد بود و گرنه بدون توهم بایست گفت که تجربه اخیر تجربه شکستی واقعی برای این بخش از مخالفان

رژیم و مالا به سود رژیم و در جهت تشدید اختناق در منطقه فارس اثر خواهد گذاشت .

* * *

حمله و ضد حمله در تهران

از آغاز هفته دوم این ماه ، در میان محافل انقلابی خبر هجوم قریب الوقوع پاسداران کمیته به خانه ها و مناطق " مشکوک " تهران پخش شده بود . حمله به مرکز چاپ و تدارکات سازمان سپهندو و دستگیری يك جمع سه نفری از رهبران و کادرهای این سازمان (به ادعای مسئولان رژیم) در واقع پیش درآمدی شوم از اخبار مذکور به شمار می رفت . سپس یکرشته حملات بر بر مناشانه بسنه " خانه های تیمی " با آرب پی - جی و تیربار و ... حکایت از ساز طرح گسترده ای مینمود . در اینجا چگونگی واکنش سازمان مجاهدین نقش تعیین کننده ای می یافت . اگر ضربات سازمان به عوامل ، نهاد ها و مراکز گوناگون رژیم شدت می یافت ، طرح گسترده هجومی پاسداران قابل اجرا و ادامه نبود و گرنه پیشروی بلا منازع آنها می توانست برای کلیه نیروها بسیار وخامت بار باشد . اما يك سلسله عملیات ضربتی و موفقیت آمیز واحد های رزمی - مجاهدین نقشه رژیم را نقش بر آب کرد . تعداد و ابعاد این حملات در هفته دوم اردیبهشت ماه آنچنان بالا گرفت که پاسداران کمیته ها اضطرارا به تاکتیکهای دفاعی روی آوردند و نیروهای خود را اجبارا به نگهبانی و حراست از مراکز ، نهاد ها و ... رژیم و یا تجسمی و بازرسی در سر چهارراهها گماشتند . واقعیت این است که در برخی از روزها تهران عملا در وضعیت حکومت نظامی قرار گرفت و ولی با وجود این مجاهدین قادر به انجام موفقیت آمیز عملیات بودند و تمام ادعاهای مسئولین رژیم دایر بر " متغیر شدن و نا امید شدن بقایای منافقین " یکسره بر فنا شد و اخیرا همه مسئولین علنا دستپاچه شده و حتی به نصیحت و پند و اندرز " اسلا می " روی آورده اند (نگاه کنید به متن خطبه های نماز جمععه املاشی سر فالانژ رژیم) . در اثر این ضد حمله فعال و ضربتی مجاهدین طرح حمله رژیم فعلا ناکام مانده است و این وضعیت دست آورد درخشان تاکتیک رزمی مجاهدین در تهران بود . تلفات رژیم بسیار زیاد و در مقایسه با تعداد عملیات و کیفیت آنها تلفات مجاهدین از نقطه نظر تعداد زیاد نبوده است . رژیم در این ماه هم از نقطه نظر درگیری صرف و هم از نقطه نظر روانی و تبلیغی شکست فاحشی از مجاهدین خورده است .

* * *

پایان يك توطئه ؟

مرجعیت از آیت الله شریعتمداری توسط عمله مکلا و معمم ولایت فقیه آغاز شده بود ، در نیمه اول این ماه به طرز عجیبی خاموش شد . حجت الاسلام خوئینی ها ، معاون ریاست مجلس و سر دسته آخوندهای روسوفیل ، طی يك مصاحبه ، مراحل و مسائل ایسن جنجال گوشخراش را جمع بندی کرده و سپس به عنوان حسن ختام از جعبه معروف مارگیری خویش - اسناد لانه جاسوسی پ مدارکی ارائه داد و نتیجه گرفت که " با مراجعه به اسناد می بینیم کسه شریعتمداری منشاء همه جریانهای ضد انقلابی شده است " (کیهان ص ۲ ، پنجشنبه ۲/۹) . اینهم یکی از مشخصات شگفت ایسن " انقلاب " است که تصفیه حساب حکام جابریا مخالفین و رقبا از طریق و توسل به مدارک به دست آمده از سفارت " دشمن درجه اول انقلاب " و فقط از همین سفارت انجام می گیرد ! تبلیغات روزمره مربوط به " توطئه کودتا " به دنبال پخش نوار علنا سرهم بندی شده از گفتگوی ری شهری دادستان انقلاب ارتش با آقای شریعتمداری که حکایت از " استغفار " ایشان و استدعای کمک از " آیت الله عظمای خمینی " مینمود ، به ناگهان فروکشید و ظاهرا برونده بسته شد ؟ دیگر بر همه آشکار شده بود که مقصود اولیه شکستن حریم آیت الله شریعتمداری بوده است . واقعیت قضیه هر طور هم بوده باشد ، يك نکته قابل تامل است و آن روش عجیب و بی سابقه رژیم در برخورد به " توطئه کودتا " بود . قانون کودتا و ضد کودتا در دوره استقرار يك " رژیم انقلابی " همیشه ثابت بوده و مبتنی بر اصل سرعت عمل در حمله و ضد حمله می باشد . در زمان کشف کودتای نوژه نیز دیدیم که رژیم با چه سرعتی توسط همین آقای ری شهری دسته دسته از افسران و افراد متهم به کودتا را پای میز محاکمه کشاند و به سرعت به جوخه های اعدام سپرد . اما اینبار قضیه که به قول خودشان " وسیعترین ابعاد توطئه " را داشت به شکل مسخره ای آغاز و به گونه ای مشکوک انجام یافت ، مهره های اصلی سناریو که به ادعای مسئولین آخوند مهدوی و صادق قطب زاده بودند متهم به اشد جرائم ممکنه شدند و لیس تا کنون نه محاکمه شده اند و نه اعدام و کل قضیه هم سیر دیگسری پیمود . این " متهمین اصلی " در مصاحبه های " خود خواسته " شرکت کرده و هریک به نوعی پای آیت الله شریعتمداری را به میان کشیدند و بلافاصله نیز جنجال " مرگ بر ... " در رادیو تلویز یون اجرا شد و تاثر خلع مرجعیت با آن ترتیب مفتضح بسنه روی پرده آمد . موضوع اصلی هم که ظاهرا " طرح کودتائی از یکسال پیش " بود به زودی به بوته فراموشی سپرده شد . برای " امت آگاه و همیشه در صحنه " هم معلوم نگردید این شیخ مهدی مهدوی پیشنهاد مسجد قلبک تهران چه کسی بود که توانسته بود به طور علنی از مملکت محروسه و محصور اسلام به آلمان و سوریه و عربستان مسافرت کند و تماسهای سیاسی با مقامات مهم و از جمله با برادر شاه خالد

هیاهوی تبلیغاتی که به نام " توطئه کودتا " و در واقع به منظور خلع

گناه با توسل به جبر و سلاح دست یافتنی نمی باشد. در نیمه اول این ماه ساله حجاب بار دیگر همچون کابوسی خوفناک روح و روان جامعه را آکنده از وحشت و نفرت کرد. در سمیناری در خوزستان که توسط "زنان انقلابی" چون عیال مندلی رجائی - رئیس جمهری معدوم حزب الله - اداره می شد، يك سلسله خزعبلات بیمارگونه تحت عنوان "قطعه نامه سمینار" به تصویب رسید و بلافاصله هجسوم تبلیغاتی و سرکوب واقعی شروع شد. دادستانی به تاکسیها اخطار کرد که از دستور قبلی مبنی بر سوار نکردن زنان بی حجاب عدول نکنند و موج بی سابقه ای از شعار و شعار نویسی سراسر سطح خیابانها و دیوارهای شهر تهران و شهرستانها را فرا گرفت. اکنون شعاری که در وسیعترین ابعاد بر در و دیوار سطح خیابانها نقش بسته "مرگ بر بی حجاب" می باشد. دیگر ساله در حد رمسری هم کفایت نمی کند. روپوش و چادر تیره زنگ و سبز کفش و جوراب تیره و ضخیم... تمام این تقاضاهای "اسلامی" در آغاز يك تابستان گرم و در شهری که میلیونها اتومبیل و درب و پنجره آهنی آنرا چون کوره سوزان هفت میلیونی کرده است. در روز چهارشنبه یانزدهم اردیبهشت حدود صد نفر زن سیاهپوش چادری در طول خیابان مصدق (ولیعصر کنونی!) به راه افتادند و تحت حمایت ژ-۳ پاسداران با دادن شعارهایی فالانژیستی تها میدان بلوار (ولیعصر کنونی) راهپیمائی کردند. فردای آنروز کلیه مطبوعات فرمایشی تصاویر زاویه دار و سرتیترهای درشت چاپ زدند که: "طی يك راهپیمائی گسترده زنان تهران به بی حجاب ها شدیداً اخطار کردند" (کیهان ۶۱/۲/۱۶) و سایر روزنامه ها (ها) طبق نوشته همین روزنامه ها در پایان مراسم شعار داده می شده است: "قسم به خون شهدا بی حجاب، تا انتقام نگیری آرام نمی نشینیم"! سادیسعریان و جنون جمعی و تعایل بسسه قساوت از ترکیب این شعار "انقلابی" می بارد. در این جمله وحوش و در متن بسیاری از شعارهایی که این روزها سطح خیابانها و دیوارهای شهر را پوشانده يك خصیصه اصلی رژیم ولایت فقیه آشکار است: در قاموس این حکومت ایدئولوژیک (مکتبی) انسانها تنها به اعتبار تسلیم محض به ایدئولوژی حاکم و دستورات آن است که انسان شعرد می شوند و لاغیر! در منطق این حکومت جائسی برای حقوق اولیه و عام انسانها در مورد پوشاک، خوراک، محصل سکونت، نوع مراد و روزمره، شادی و طراوت و کسب فیض از زیبائی طبیعت و... وجود ندارد، چه رسد به حقوق سیاسی و مدنی. این قوم قشری که از قمر لجن زارهای فرهنگ قرون وسطائی و از بطن يك زندگی سراسر نکبت و ترس و گناه به قدرت سیاسی و حاکمیت دولتی رسیده، بقای خود را در نابودی هر نوع و شکلی از اختیار و آزادی، تفاهم و مدارای اجتماعی و مراد و صلح آئیز انسانها می داند. این جماعت که هیچ توانی برای سازندگی، شکوفائی و

شعودی برقرار کند. آیا خود این شخص مرموز ماموریتی از جانب رژیم داشته و یا اینکه دست يك سرویس جاسوسی در کار بوده که نقش آقای قطب زاده در این ماجرا بسیار کودکانه ترسیم شد. چگونه وی که به هرحال از سازندگان اولیه دستگاههای رژیم می باشد ندانست که نظامیان دور و برش به مسئولین رژیم راپسورت می دهند؟ و بالاخره چرا جریان محاکمه این حضرات انجام نگرفت و بعد از بخش مصاحبه آقای شریعتمداری غائله ختم شد؟ تمام قرائن حاکی از این است که توطئه درواقع به منظور از میدان به در کردن آیت الله شریعتمداری و اینهم به خاطر پیش بردن طرح خاصی از برای ساله شورای جانشینی امام و زهرچشم گرفتن از آیات عظام در مجموع طرح ریزی شده بوده است. چند روز بعد از خوابیدن جریان تبلیغاتی مربوطه "لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی" نیز به مجلس رفت و بدون کوچکترین اعتراضی از جانب آیات عظام و فقهای که قبلاً مخالف آن بودند، مورد تصویب واقع شد. در این ماجرا، سیاست و قدرت مستقر سیاسی و نظامی حاکمیت بلا منازع خود را در مقابل مراجع مذهبی به ثبوت رساند منتهی اینبار در لباس حجت الاسلام هائی چون رفسنجانی و خامنه ای که خود را جانشینان "رهبر" می دانند و اهرمهای قدرت قاهره را در دست دارند.

* * *

حجاب حربه اختناق

سه سال پیش اوایل "پیروزی انقلاب" بود که سیاله حجاب اجباری مطرح و شخص ولی فقیه از کفخ نشین خود در قم فرمان آنرا صادر کرد. روز بعد هزاران هزار زن آزادیخواه در مخالفت با این فرمان استبداد به خیابانهای تهران ریختند و رژیم که هنوز از ولی فقیه و اعوان و انصارش تشکیل می شد، به هراس افتاده و سریعاً عقب نشینی کردند. در آن زمان اکثریت سازمانها و نیروهای اپوزیسیون این امر را که از حقوق اولیه و اساسی انسان به شمار می رود، چون يك "مساله بیروژوئی" تلقی کرده و از حمایت جنبش زنان شهروند سرپا زدند، برخی از سازمانهای اپوزیسیون داوطلبانه از میان شعار وحوش حزب الهی (در آن روزگار هندوویه "امت حزب الله" تغییر نام نداده بودند) که با چوب و چماق فریاد می زدند "یا روسری یا تفسری" روسری اجباری را برگزیدند و نام این عمل را هم "تاکتیک" گذاشتند! اکنون پس از گذشت سه سال از آن روزها و ساخته و پرداخته شدن دستگاههای اختناق و فرا رسیدن "حاکمیت حزب الله" دیگر بر هر ابوالهشری روشن شده است که حربه حجاب از همان آغاز سلاح استبداد و قشربون فاشیست بود و نه رهنمودی برای عفت و اخلاق عمومی. عفت و اخلاق عمومی محصولی از فرهنگ جامعه مدنی است و هیچ

جبهات کاملاً صحیح است. گرچه منظور نویسنده مقاله مزبور در "راستای گسترش انقلاب" و تحقق نظریه مربوط به "اتحاد جماهیر اسلامی" است و "آیت الله" مشکینی و سفیه عالیقدر از مبلغین طسواز اول این آرزوهای دور و دراز می باشند، لکن اگر مساله را به این سهل الوصولی که حضرات تصور می کنند نپنداریم، در جمله فوق معنی جدی و محتلی نیز نهفته است. معنی واقعی کسه از قضا در وضعیت دشوار و پیچیده سیاسی و تراکم گره خورده عناصر متعدد سیاسی - اقتصادی، به شکل يك جنگ فرسایشی بیست ماهه، بالاخره به مرحله عطف و ورق خوردن يك فصل از تاریخ سیاسی این منطقه نزدیک می شود.

قریب سه هفته است که عملیات "الی بیت المقدس" نیروهای خمینی آغاز شده و اکنون جنگ بر سر خرمشهر از هر دیدگاهی که بنگریم به صورت سنبل شکست یا پیروزی برای طرفین مخاصمه درآمده است. عبور نیروهای خمینی از رود کارون، در حالیکه قوای عراق در ساحل مقابل سنگر گرفته و هیچگونه مانعت جدی به عرصه نیاروندند، سپس عقب نشینی های غیر منتظره نیروهای عراق (که بعداً از جانب هوشمندان چون منتظری نیز توطئه آمیز خوانده شد!) و بالاخره معوق ماندن فتح و آزادی خرمشهر که در آغاز خبر و وعده آن ورد زبان خطبا و وعاظ و مسئولین رژیم بود و سر انجام آشکار شدن فعل و انفعالات سیاسی جدید در میان ممالك عربی حوزه خلیج و منطقه تا شمال افریقا، همه اینها حکایت از وضعیت بسیار حساس و حوادث واجد اهمیت می کنند که در منطقه در شرف تکوین می باشند. رژیم خمینی در ابتدای عملیات آنقدر در شوق و التهاات فتح قریب الوقوع می سوخت که ناشیانه تعداد زیادی از "حجت الاسلام" ها و "آیت الله" های رنگارنگ را در اهواز گرد آورده و مترصد بود که به محض آزاد سازی خرمشهر کمیسر های سیاسی - ایدئولوژیک را سوار تانکهای پیروزی نماید و روانه شهر سازد! اما جنگ علیرغم هزاران هزار کشته هنوز ادامه دارد و در این اثنا تحولاتی در منطقه در گرفته که نشان می دهد هر گردی هم گردو نیست. عبور آنچنانی از کارون و پیشروی سریع بلامانع آنها می تواند معنی دیگری هم در بر داشته باشد. از نقطه نظر نظامی پیشگویی نتیجه نهائی نبرد بر سر خرمشهر کار دشواری است و نیازمند اطلاعات دقیق نظامی است، لکن با توجه دقیق به جوانب گوناگون و مواضع سیاسی می توان به واقعیت سیاسی جاری و کنه حوادثی که در منطقه جریان دارند پی برد.

نیروهای خمینی علیرغم بسیج بی سابقه انسانی و اتخان روش "فج آدم در مقابل آتش" آشکارا به موانع سختی در جبهه خرمشهر برخورد کرده اند. خط مرزی شلمچه که بنا به ادعای رژیم هفته پیش فتح شده بود، بار دیگر به تصرف قوای عراق درآمده است. خبر گزاریهای گوناگون خبر می دهند که طرفین مشغول تدارک نبرد

صلح و آزادی در خود نمی بیند، به بسیج تمام حال و هیجان توده ها در راه مرگ و نیستی و سوگواری و عزا، یعنی اشتغال همیشگی آخوندهای شیاد و عوامفریب، روی آورده است. خون خواهی و انتقام کشی، قتل و کشتار و تجاوز رایج ترین روش روزمره "دولت و امت حزب الله" در برخورد به کلیه مسائل اجتماعی مردم شده است. بیجهت نیست که هر نیتی را با شعار "مرگ بر..." بیان می کنند و گمان نبریم که مساله حجاب تنها مربوط به زنان شهروند بی حجاب ما می شود. خیر، این مساله جزئی از طرح بزرگ اختناق فراگیر و استبداد همه جاگیری است که تحت عنوان ولایت فقیه مبین یکی از خونخوارترین، عقب مانده ترین و ظلمانی ترین رژیم های ایدئولوژیک (مکتبی) طول تاریخ جهان است. در همین شعارهای مربوط به حجاب نیز می توان دید که چگونه این رجاله های به حکومت رسیده قصد تجاوز دائم به حریم شخصی و عمومی مردم را دارند. بر خیابانهای اصفهان شعار "حجاب مرد ریش است، مرگ بر بی حجاب" نقش بسته است و در تهران چند مورد چسباندن گیره فلزی به یقه باز مردان و رنگ کردن بازوهای عریان پیش آمده است و در ضمن چند ماهی است که تمام مسئولین دولت بدون استثنا ریش گذاشته اند! این نشانه ها حکایت از برنامه اجباری کردن حجاب اسلامی برای مردان نیز می کند. این مسائل بیش از آنکه دلیلی برای مزاح و مسخره باشند عمق فاجعه ای را باز می نمایند که بر ملت و میهن ستم دیده ما واقع شده است: فاجعه فاشیسم مذهبی که از بطن يك تحول عظیم انقلابی زاده شده است مساله متحدالشکل کردن ریخت و قیافه و لباس و چه بسا فرمایشی کردن خنده و شادی و گفت و نمود در آینده، اجزائی از يك مجموعه مخوف فاشیستی است که در هیات يك رژیم ایدئولوژیک - مذهبی بر مردم ما حاکم گردیده است و جزء مربوط به حجاب آن در واقع مشتی است نمونه از خوارو برای کسانی که از آغاز برخوردی "تاکتیکی" با این مسائل داشتند فاجعه ای است عبرت انگیز!

امروزه دیگر مشکل حجاب و سایر امور مربوط به حقوق ابتدائی، آنچنان با تار و بود این رژیم سفاک ایدئولوژیک گره خورده که حل آنها جز در سرنگونی این رژیم شدنی نیست و امید است که آن نیروهای رژیم را ساقط کنند که به حقوق طبیعی و مدنی مسردان و زنان جامعه اعتقادی عمیق داشته و برای نجات و تعالی جامعه مدنی ایران می رزمند.

* * *

جنگ و سیاست در منطقه

"سرنوشت منطقه این روزها در حال رقم زدن می باشد". ایمن جملہ از سزمقاله روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۲۲ از برخی

آن دیدند: "الخير مع الواقعة" نکته ای بود که ایندفعه در کلام آنها نهفته بود. به ناگهان ممالك حوزه خلیج و سایر کشورهای عربی به خطر عبور نیروهای خمینی از مرز و تجاوز به خاک عراق حساسیت شدید نشان دادند. عربستان سعودی به نمایندگی از جانبش کشور یادداشت شدید الحنی به سوریه داد و حمایت یکجانبه از رژیم خمینی را در زمانی که خطر تجاوز به سرزمین عربی وجود دارد مورد انتقاد شدید و تهدید آمیز (از نظر مالی) قرار داد. حسنی مبارک نیز به این خطر اشاره کرد و هشدار داد این واکنش ها به خصوص بعد از سقوط هواپیمای وزیر خارجه الجزایر شدت بیشتری گرفت و اکنون مساله تجاوز احتمالی نیروهای خمینی به عراق طوری در اذهان جهانیان جا افتاده که دیگر از نقطه نظر سیاسی و تبلیغاتی قابل انکار نمی باشد، به خصوص که مسئولین طراز اول رژیم خمینی نیز دست از تکذیب صریح برداشته و برعکس در صدر توجیه "منطقی" آن برآمده اند: "اثر از مرزهای خودمان بیرون رویم تنها به خاطر احقاق حقمان است" (رفسنجانی، دوشنبه ۶۱/۲/۲۷)

به هر حال بر سر این موضوع جنگ روانی شدیدی در کنار نبرد نظامی جریان یافته است و ممالك عربی یقیناً در پی ارائه مواضع و طرحهای به منظور خلع سلاح سیاسی رژیم خمینی و آشکار کردن ماهیت واقعی اهداف آن بر خواهد آمد. در واقع گرایش رژیم خمینی به اعزام نیرو به داخل خاک عراق مساله ای است که دو سال تمام حول آن تبلیغ شدید و بسیج روانی شده است. بیست ماه است که خمینی از فتح کربلا و قدس سخن می گوید و با این دم آتش هیجان حزب الله و جوانان خردسال را شعله ور نگه داشته است. ماهیست بر در و دیوار و صفحات روزنامه ها و پرده تلو یزیون شعار "برای فتح کربلا، پیش به سوی جبهه ها" نقش بسته و در پی هر جنازه ای که از میدان جنگ می آید توجه سرائی می کنند که "جان داده و کربلا ندیده"، و انگهی بارها و بارها رژیم خمینی طرحها و کوششهای عدیده هیاتهای صلح را با قید "مجازات صدام" و "غرامت جنگی" و گاهی "سرنگونی رژیم صدام" مواجه با شکست کرده است و آخرین بار شخص خمینی در نطق یکشنبه اخیر خود کماکان از "سقوط صدام و انشالله حزب بعث" سخن گفت. با این تفصیل وضعیت رژیم تهران حالت پلنگی را دارد که به اشتباهی شکار طعمه خیر برداشته غافل از اینکه "شکار" مطلوب در مرداب قرار دارد! البته اکنون که سرزنشگاه رسیده اند - ظاهراً متوجه شده اند که چه شکری خورده اند. لکن اینکه دیگر امکان بازگشتی از مواضع قبلی باشد، خود از دشواریهای این شرایط حساس می باشد و مشکلات مختلفی را که در صورت نرسیده عقب گرفتن بروز خواهد نمود نباید از نظر دور داشت (دهها هزار خانواده حزب الله فرزندان خردسال و جوان خود را در راه فتح کربلا و قدس از دست داده اند. قضیه به سادگی مساله

های سنگین آینده هستند. در سایر جبهه های جنگ عراق کماکان مواضع قبلی خود را حفظ کرده است. از سوی دیگر يك سلسله حرکت های جدید و سیاسی در جریسان است. مصر که از مدتها پیش به سبب نزدیکی تاریخ تخلیه صحرای سینا از نیروهای اسرائیل راجع به مسائل منطقه خاور میانه و از جمله جنگ ایران و عراق با حزم و احتیاط تمام موضع می گرفت، اکنون به دنبال ختم عملی مرحله اول قرارداد کمپ دیوید و بساز پس گرفتن صحرای سینا از نیروهای اسرائیل با دست بازو آرزوی فراخ "وارد صحنه سیاسی منطقه شده و آماده است که نقش فعالی در قضایای جاری عهده دار شود. به یاد داشته باشیم که ممالك کوچک خلیج فارس از آغاز جنگ در محاصره آزار دهنده ای گرفتار آمده بودند. آنها به سبب توسعه طلبی ایدئولوژیک و سیاست صدور انقلاب با رژیم خمینی ضدیت داشتند ولی از طرف دیگر در معرض خطر برتری طلبی و سلطه نظامی عراق نیز قرار گرفته بودند. با اینهمه عراق کشوری عربی بود و جنگ ظاهراً حول محور عرب در مقابل عجم در گرفته بود و لذا آنها ناگزیر از نوعی حمایت بودند. تبلیغات توسعه طلبانه و تمایل به ادامه جنگ و نظامی کردن سراسر جامعه ایران و علنی شدن حمایت سوریه و لیبی و کره شمالی (به علاوه حمایت تسلیحاتی پنهان اسرائیل و آفریقای جنوبی از ایران) از رژیم خمینی و تکیه فزاینده این حکومت بر اردوگاه شوروی، دول ساحل جنوبی خلیج و دریای عمان را اضطراباً به سمت حمایت بیشتر از مواضع عراق سوق داده بود. حال آنکه عراق قوی و پیروز مطلوب آنها نبود، کما اینکه خمینسی فاتح نیز کابوس مخوفی مینمود. در این میان جنگ فرسایشی شد و این روند بر وفق مراد این کشورها بود، تا اینکه رژیم خمینسی در اواخر سال گذشته تحت فشار مسائل و مبرمات جامعه و مسائل مربوط به جانشینی و نفت و... در صدر پیشروی به هر قیمت و ایجاد جو بیروزی و فتح برای امت در حال انتظار برآمد. ماهیت تبلیغات رژیم هم طی دو سال اخیر طوری بود که دیگر نمیشد شعار فتح کربلا و قدس را تکرار کرد، ولی کماکان در شرق کارون درجا زد. تحول در تناسب قوا و اوضاع جنگ امری ضروری شده بود و لذا تاکتیک هجوم پرتلفات از آغاز سال ۶۱ به مرحله اجرا درآمد. به دنبال تغییر در وضعیت جبهه ها امکان حرکات غیر قابل کنترلی از جانب قوای خمینی پدیدار شد و بلا فاصله ممالك حوزه خلیج متوجه خطرات و امکانات جدید شدند. رژیم خمینی سر مست از "فتح العمین" به رجزخوانی در باره آینسده سیاسی و حکومتی عراق پرداختند و در این بلند پروازیهای ابلهانه تا آنجا پیش رفت که نام عملیات اخیرش را نیز "الی بیت المقدس" گذاشت. رژیمهای عربی مخالف خمینی اینبار با عطف توجه به جنگ طلبی و عنان گسیختگی ایدئولوژیک رژیم تهران، در روند عملیات اخیر شانس برای تله گذاری و به دام انداختن سیاسی

نیست و چه بسا در شرایط مساعد رژیم خمینی هم زیر پوشش تبلیغاتی جدیدی و البته فریاد مرگ بر امریکا سینه خیز به طرف شیطان بزرگ برود. به خاطر حفظ خود این رژیم به هر کاری دست می زند. اما در این گیرودار موضع شوروی چگونه خواهد بود؟ واقعیت این است که مدتهاست شوروی موضع روشن و صریحی نگرفته است. آیا شوروی این باخت سیاسی احتمالی را در عراق با هضم و احتیاط خواهد پذیرفت یا اینکه چون يك قمار باز بازنده ولی سرسخت با زیاد کردن مایه (تسلحاتی و سیاسی) وارد دوره جدیدی از بازی دخالت و اعمال نفوذ در منطقه خواهد شد؟ رژیم خمینی برای اینچنین واکنشی نیز شکار خوبی خواهد بود.

۶۱/۲/۲۸

ك. كوشان

در این بن بست

دهانت را می‌بویند

مبادا که گفته باشی دوست می‌دارم.

دلت را می‌بویند

روزگار غریبی ست، نازنین

و عشق را

کنار تیرك راجند

تاز یانه می‌زنند.

عشق را در پستری خانه نهان باید کرد

در این بن بست کج و پیچ سرما

آتش را

به سرخسبار سرود و شعر

فروزان می‌دارند.

به اندیشیدن خطر مکن.

روزگار غریبی ست، نازنین

آن که بر در می‌گوید شباهنگام

به کشتن چراغ آمده است.

نور را در پستری خانه نهان باید کرد

آنك، قصایباند

بر گذرگاه‌ها مستقر

با كنده و ساطوری خونالود

روزگار غریبی ست، نازنین

و تبسم را بر لب‌ها جراحی می‌کنند

و ترانه را بر دهان.

شوق را در پستری خانه نهان باید کرد

کباب قناری

بر آتش سوسن و یاس

روزگار غریبی ست، نازنین

ابلیس پیروز مست

سور عزای ما را بر سفره نشسته است.

خدا را در پستری خانه نهان باید کرد

احمد شاملو

گروگانها قابل حل نیست. سپاه پاسداران طالب توسعه انقلاب " و تعقیب صدام " با دانشجویان خط امام فرق دارد!) هرطور که نگاه کنیم رژیم خمینی در نوعی فشار و اضطراب برای تجاوز به خاک عراق قرار دارد و سیاستمداران کهنه کار عربی هم درست از همین موقعیت اضطرابی خمینی نهایت استفاده را می‌کنند. آنها از اقدام مشترك اعراب علیه ایران " در صورت تجاوز " سخن می‌گویند و مصر به رژیم خمینی هشدار میدهد. مصر مایل است هرچه زودتر به جامعه عرب بازگردد و هم اکنون اکثر دول عربی نیز از این خواست حمایت می‌کنند. رست دفاع از قومیت عرب و خاک عربی در مقابل تجاوز احتمالی رژیم خمینی ایده آل ترین حالت برای مصر به منظور خروج از انفراد و ورود همراه با استقبال گرم به جامعه عرب می‌باشد. این بازگشت به صحنه سیاسی فعال و احتمالاً دخالت در جنگ ایران و عراق (در شرایطی که صدام حسین در استیصال قرار گیرد ناچار به اقدام مشترك اعراب و مصر تن در خواهد داد) علی الخصوص مطلوب دول عربی حسوزه خلیج می‌باشد و آنها را از وضعیت دشوار قرار گرفتن بیسن دو خصم " انقلابی " نجات میدهد و از سوی دیگر به ناگزیر به فعال شدن مجدد " طرح فهد " و ادغام احتمالی عراق در سلك موافقین آن و نهایتاً انفراد ناگهانی سوریه و لیبی منجر خواهد گردید.

تهنأاجسم و طلبه

با این تفصیل روشن است که مساله عبور نیروهای خمینی از مرز عراق نقطه عطف مهمی در جریانات سیاسی منطقه عربی خواهد بود و اینبار به نظر می‌رسد که خمینی در چاهی می‌افتد که خود کنده است. حال اگر نیروهای رژیم توان غلبه بر قوای اعراب در جبهه خرمشهر را هم نداشته باشند باز هم مساله عبور از مرز یکسری از امکانات بسیار قوی باقی میماند، زیرا فرماندهی نظامی سپاه و ارتش می‌تواند ضرورت گذشتن از مرز و تصرف بخشی از خاک عراق را به ازای خرمشهر و سایر مناطق اشغالی در جبهه غرب، توجیه کنند و رای مثبت خمینی را برای عبور بگیرند، امری که ظهیر نژاد در آخرین مصاحبه مطبوعاتی به آن اشاره می‌کند! در هر صورت از نظر سیاسی مصر در موقعیت بسیار خوبی قرار گرفته و از همراهی و حمایت تعداد زیادی از مالک صاحب دلار عربی هم برخوردار است. تمام شواهد و قرائن حاکی از این است که غرب به صورتی استراتژیک بازی سیاسی بزرگی را به نفع نظام خود و به ضرر نقشه های نفوذی شوروی به پیش می‌برد و در انتظار بربریزگ سیاسی مجدد در عراق، همچون برد در مصر و سپس سومالی (به هنگام درگرفتن جنگ سومالی - اتیوپی و خارج شدن سومالی از حیطه نفوذ شوروی) می‌باشد. مضافاً بر اینکه در مورد ایران هم شانس نفوذ امریکا از داخل فراکسیونهای حاکم (حجتیه و...) و نیز در وضعیت استیصال نظامی و تسلیحاتی بعدی رژیم خمینی کم

آزادی خواهان و انقلابیون
دوستان و طرفداران
شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال
در تکیه و پخش هر چه گسترده تر پیام آزادی
ما را یاری دهید.

Postlager-Nr. 076287A
5600 WUPPERTAL 1
WEST-GERMANY

آدرس پستی:

R.V.L.

STADTSPARKASSE WUPPERTAL
Konto-Nr. 598573
BLZ: 330 500 00

حساب بانکی: